



## درس فارغ اصول استاد حاج سید مجتبی نورمفیدی

موضوع کلی: وضع

موضوع جزئی: قسم سوم وضع - وضع هیئات

سال: چهارم

تاریخ: ۱۵ اسفند ۱۳۹۱

مصادف با: ۲۲ ربیع الثانی ۱۴۳۴

جلسه: ۸۵

«الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد وآله الطاهرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین»

### خلاصه جلسه گذشته:

بحث در وضع هیئات جُمْل بود، عرض کردیم چهار قسم جمله داریم، ابتدائاً نظر مرحوم آخوند را درباره فرق بین جُمْل انشائیه و خبریه عرض کردیم، محصل فرمایش ایشان این شد که همان گونه که در اسم و حرف فرقی بین موضوع له و مستعمل فیهِ نیست و تنها تفاوت بین آنها به اعتبار نحوه استعمال و لحاظ آلیت و استقلالیت است، در مورد هیئات جمل انشائیه و خبریه هم مطلب از همین قرار است، یعنی موضوع له و مستعمل فیهِ در جمله خبریه و انشائیه یکسان است، البته اگر چه گفتیم که موضوع بحث و محل نظر مرحوم آخوند جملاتی است که هم قابلیت انشاء دارند و هم قابلیت اخبار و الا در جمله‌هایی که فقط قابلیت حکایت و اخبار دارند و جمله‌هایی که فقط قابلیت ایجاد دارند و برای انشاء بکار می‌روند مسئله روشن است، بحث در مثل «بعثت» است که هم می‌تواند در مقام اخبار استعمال شود و هم در مقام انشاء، می‌خواهیم ببینیم وضع و موضوع له و مستعمل فیهِ در «بعثت» و امثال آن که هم می‌تواند جمله خبریه باشد و به وسیله آن حکایت شود و هم قابلیت دارد جمله انشائیه باشد و یک معنایی ایجاد شود، چگونه است؟ ولی به هر حال نظر مرحوم آخوند در مورد مطلق جمل خبریه و انشائیه است.

مرحوم آخوند فرمود: موضوع له و مستعمل فیهِ در «بعثت» و امثال آن یکسان است، حال سؤال این است که فرق بین «بعثت» خبری و «بعثت» انشائی چگونه مشخص می‌شود؟ مرحوم آخوند فرمود فرق این دو فقط در داعی و ظرف استعمال است که اگر «بعثت» به داعی حکایت استعمال شود، خبری می‌باشد ولی اگر به داعی ایجاد استعمال شود، انشائی خواهد بود، لذا وضع، موضوع له و مستعمل فیهِ جملات خبریه و انشائیه هیچ تفاوتی با هم ندارند.

البته عرض کردیم در کلام مرحوم آخوند دو تسامح وجود دارد که یکی از آنها عبارت «لایبعد...» بود که گفته شد تعبیر به «لایبعد...» که در کلام مرحوم آخوند آمده صحیح نیست؛ چون «لایبعد...» دال بر این است که غیر از اختلاف به لحاظ داعی، تفاوت دیگری هم بین جمل خبریه و انشائیه وجود دارد در حالی که مرحوم آخوند غیر از اختلاف به لحاظ داعی بین جمل خبریه و انشائیه، فرق دیگری را بیان نکرده است، لذا به نظر می‌رسد تعبیر «لایبعد» که در کلام مرحوم آخوند آمده یک تعبیر مسامحی است. دیگری هم عبارت «لیستعمل فی قصد حکایة المعنی» بود که عرض کردیم این عبارت تالی فاسدی دارد که عبارت است از اینکه معنای جمله خبریه و انشائیه فرق می‌کند و در این صورت تشبیه جمله خبریه و

انشائیة به باب اسماء و حروف صحیح نیست پس برای اینکه این مشکل پیش نیاید ناچاریم بگوییم در این عبارت مسامحه واقع شده و منظور از این عبارت ظاهر آن نیست بلکه منظور این است که «لیستعمل فی معناه فی مقام قصد حکایة المعنی»، یعنی قصد حکایة المعنی را جزء مستعمل فیہ ندانیم بلکه داعی بر استعمال می باشد.

### **بررسی نظریه مرحوم آخوند:**

#### **اشکال اول: (محقق اصفهانی)**

اشکالاتی به محقق خراسانی وارد شده و از جمله کسانی که به مرحوم آخوند اشکال کرده محقق اصفهانی است، ایشان می فرماید اینکه مرحوم آخوند فرموده: اخبار و انشاء از شوون استعمال است و چیزی که از شوون استعمال باشد داخل در مستعمل فیہ نیست واضح است اما اینکه مستعمل فیہ را در جمل خبریه و انشائیة یکی می داند محل اشکال است، محقق اصفهانی در واقع کلام مرحوم آخوند را رد نمی کند بلکه به اطلاق آن اشکال دارد و معتقد است باید تفصیل داد، یعنی در بعضی موارد فرق جمل خبریه و انشائیة همان گونه که مرحوم آخوند گفتند به داعی استعمال است ولی در بعضی موارد این چنین نیست، ایشان جمله خبریه و انشائیة را به دو قسم تقسیم می کند و می گوید بعضی جمله ها چه خبری و چه انشائیة ماده و هیئة یکی هستند یعنی ماده و هیأت جمله خبری با ماده و هیأت جمله انشائیة یکی است مثل «بعث» که هم جمله خبری است و هم جمله انشائیة و ماده این جمله در هر دو یکی است و هیأت آن هم در هر دو هیأت فعل ماضی است اما گاهی جمله خبریه ماده و هیئة با جمله انشائیة متفاوت است مثلاً جمله انشائیة «اضرب» است اما جمله خبریه «ابعثک نحو الضرب» یا «اطلب منک الضرب» می باشد، البته این در صورتی است که این جمله در مقام اخبار بکار رفته باشد چون همین جمله هم گاهی می تواند در مقام انشاء بکار رود، به هر حال جمله انشائیة «اضرب» و جمله خبریه «ابعثک نحو الضرب» از نظر ماده و هیأت متفاوتند؛ چون هیأت جمله انشائیة، هیأت افعال است ولی هیأت جمله خبریه، هیأت مضارع است، همچنین ماده جمله انشائیة «اضرب» حروف «ضاد»، «باء» و «راء» می باشد ولی ماده جمله خبریه «ابعثک نحو الضرب»، حروف «باء»، «عین»، «تاء» است، لذا این دو جمله انشائیة و خبریه ماده و هیئة با هم فرق می کنند.

حال اگر جمله خبری و انشائیة ماده و هیئة یکی باشند حق با مرحوم آخوند است یعنی اختلاف بین این دو فقط به داعی استعمال است، یعنی موضوع له و مستعمل فیہ در هر دو جمله خبریه و انشائیة یکی است که عبارت از نسبت ماده به متکلم است، حال گاهی متکلم قصد حکایت از این نسبت را دارد که در این صورت جمله خبری می باشد؛ مثلاً متکلم در «بعث» که یک جمله خبری است، «بعث» را در معنای خودش که نسبت ماده به متکلم باشد استعمال کرده اما قصد او از این استعمال، حکایت از یک نسبتی است که بین بیع و او در گذشته اتفاق افتاده است، اما گاهی متکلم قصد حکایت از این نسبت را ندارد بلکه داعی او برای استعمال لفظ «بعث» ثبوت و ایجاد آن است، پس در این صورت حق با مرحوم آخوند است و موضوع له و مستعمل فیہ در جمله خبریه و انشائیة یکی است و تفاوت آنها فقط در داعی استعمال است که در جمله خبریه، داعی حکایت از وقوع بیع است و در جمله انشائیة، داعی ایجاد و ثبوت حقیقت بیع است.

اما در قسم دوم جمل؛ یعنی جمله‌هایی که ماده و هیئت یکی نیستند بلکه ماده و هیأت جمله خبریه با ماده و هیأت جمله انشائییه متفاوت است مثل «اضرب» و «ابعثک نحو الضرب»، مستعمل فیهِ متفاوت است، محقق اصفهانی می‌گوید ما در این قسم از جمل با نظر مرحوم آخوند موافق نیستیم، چون مستعمل فیهِ در جمله خبریه یک چیز و مستعمل فیهِ در جمله انشائییه چیز دیگری است، چون مفاد صیغه «اضرب» بعث مخاطب به طرف «ضرب» است لکن نه «بما هو بعث ملحوظ بذاته» بلکه «بما هو نسبة بین المتکلم و المخاطب و المادة»، یعنی صیغه «افعل» برای بعث غیر استقلالی وضع شده، نسبتی اینجا وجود دارد اما این نسبت هیچ واقع و خارجی ندارد تا مطابق با آن باشد یا نباشد. ایشان برای اینکه مسئله روشن شود به بعث تکوینی مثال می‌زند- یعنی که مورد بحث است بعث اعتباری است- بعث تکوینی همان هل دادن حقیقی است مثلاً دست کسی را بگیرد و او را از اتاق بیرون ببرید ولی بعث اعتباری هل دادن حقیقی نیست مثلاً به جای اینکه دست شخص را بگیرد و او را از اتاق بیرون ببرید به او می‌گویید: برو، که اعتباری است نه تکوینی. در بعث تکوینی شخصی دیگری را حرکت می‌دهد و در حالی که او را حرکت می‌دهد آنچه مورد توجه است و بر مخاطب اثر می‌گذارد ماده حرکت است و خود تحریک مورد توجه نیست یعنی بلند کردن شخص مورد توجه نیست بلکه ماده قیام است که بر مخاطب اثر می‌گذارد، پس در بعث تکوینی و اعتباری، حقیقتاً یک چیز بیشتر اتفاق نیفتاده که همان تحریک است ولی در بعث تکوینی آنچه لحاظ می‌شود و مورد توجه قرار می‌گیرد همان ماده است که در مخاطب واقع می‌شود اما خود تحریک ملحوظ و مقصود بالذات نیست، در بعث اعتباری هم مطلب از همین قرار است یعنی آنچه در بعث اعتباری اتفاق می‌افتد همان نسبتی است که بین ماده و مخاطب ایجاد می‌شود؛ به عبارت دیگر مستعمل فیهِ در «اضرب» نسبت ضرب (نسبت بعثیه و طلبیه) به مخاطب است، پس در صیغه افعل یک چیز مقصود و ملحوظ بالذات است و یک چیز ملحوظ بالذات نیست، وقتی متکلم می‌گوید: «اضرب» با گفتن این جمله قصد دارد مخاطب را تحریک کند، این هیأت برای تحریک است ولی مقصود بالذات نیست بلکه نسبتی که بین ماده ضرب و مخاطب ایجاد می‌شود یعنی آن نسبت بعثیه، مقصود بالذات است اما در «ابعثک نحو الضرب» که در مقام اخبار استعمال شده باشد مضمون این هیأت خود بعث نیست بلکه نسبت بعث به متکلم است.

پس فرق بین این دو جمله این شد که در جمله انشائییه «اضرب»، مستعمل فیهِ عبارت است از نسبت ماده به مخاطب ولی در جمله خبریه «ابعثک نحو الضرب» یا «اطلب منک الضرب»، مستعمل فیهِ نسبت بعث به متکلم می‌باشد، پس فرق بین این دو جمله در واقع فرق بین نسبت بعث و بعثی است که طرف نسبت واقع شده است، در جمله انشائییه، نسبت طلبیه مستعمل فیهِ است و در جمله خبریه طلب، طرف نسبت مستعمل فیهِ است. پس مستعمل فیهِ در جملات انشائییه مثل «اضرب»، نسبت ماده ضرب به مخاطب است ولی مستعمل فیهِ در جملات خبریه مثل «ابعثک نحو الضرب»، نسبت ماده بعث با خود متکلم است، لذا در این صورت بعث، طرف نسبت است نه خود نسبت، پس مستعمل فیهِ در جملات انشائییه، نسبت طلبیه است که بین ماده ضرب و مخاطب ایجاد شده ولی در جملات خبریه، طلب طرف نسبت است نه خود نسبت.<sup>۱</sup>

۱. نه‌ایه الداریه، ج ۱، ص ۶۳-۶۱.

پس به نظر محقق اصفهانی نمی‌توانیم به نحو مطلق بگوییم اختلاف بین جمل خبریه و انشائییه، اختلاف به داعی استعمال است بلکه در بعضی موارد اختلاف به داعی استعمال می‌باشد و آن هم جایی است که جمله خبریه و انشائییه ماده و هیئۀ یکی باشند و گاهی هم اختلاف به اختلاف در خود مستعمل‌فیه است مثل مواردی که جمله خبریه و جمله انشائییه ماده و هیئۀ یکی نباشند که در اینجا مستعمل‌فیه این دو جمله متفاوت است.

**بحث جلسه آینده:** حال باید ببینیم اشکال محقق اصفهانی به نظریه مرحوم آخوند وارد است یا نه که انشاء الله در جلسه آینده به بررسی اشکال ایشان خواهیم پرداخت.

«والحمد لله رب العالمین»